



پژوهشی بر چگونگی تدفین سگ در ایران باستان

میشم نیک‌زاد^۱

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر شیراز

ایرج رضایی

دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه تهران

مهدی خلیلی

دانشجوی دوره دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه مازندران

 <https://doi.org/10.22034/ciom.2024.713238>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی، صص: ۲۹-۵۲

چکیده

با استناد به شواهد باستان‌شناختی موجود، سگ یکی از نخستین حیواناتی است که توسط انسان رام و اهلی شده است. سگ‌ها علاوه بر نقشی که در دوران پیش از تاریخ و تاریخی در تعقیب و شکار و حفاظت از جان و مال انسان داشته‌اند، امروزه نیز در اموری همچون تشخیص مواد مخدر، محافظت از گله، شکار، تشخیص بو، مسیریابی و کمک به معلولین و امور پلیسی-امنیتی به جامعه انسانی خدمت می‌کنند. تدفین‌های متعددی از سگ چه در قاره‌های قدیم (آسیا، اروپا و آفریقا) و چه در قاره‌های جدید (آمریکا و استرالیا) به دست آمده که نشان می‌دهد پدیده مزبور پدیده‌ای فراگیر و جهان‌شمول بوده است. در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی، بقایای تدفین سگ هم به صورت منفرد و هم به همراه اسکلت انسان به دست آمده که علاوه بر جنبه‌های آیینی، به روشنی نشانه‌ای از سازش‌پذیری اجتماعی دوسویه بین این حیوان با انسان است. در ایران تاکنون تدفین سگ از کاوش محوطه‌های همچون شهرسوخته، گوه‌رتپه بهشهر، تپه قلعه‌کش (طالقانی) قائمشهر، تپه عشق بجنورد، تپه ریوی سِملقان، تپه خرم‌آباد مشکین‌شهر و نرگس تپه گلستان گزارش شده است. در نوشتار پیش‌رو علاوه بر

1. meisam.nikzad@shirazartu.ac.ir

مروری بر تدفین سگ در بخش‌های مختلف دنیا، به مطالعه تدفین‌های این حیوان در ایران و تحلیل این یافته‌های تدفینی در بستر اجتماعی/آیینی پرداخته شده است. در مجموع به نظر می‌رسد که برخی از موارد تدفین سگ جنبه آیینی داشته، اگرچه برخی موارد دیگر را می‌توان بر اساس نزدیکی عاطفی و قرابت اجتماعی بین انسان و سگ تبیین نمود.

واژگان کلیدی: سگ، تدفین سگ، باورهای آیینی، شمنیسم، ایران باستان.

مقدمه

در باستان‌شناسی، آداب و مناسک تدفین همواره در ارتباط با فعالیت‌ها و باورهای آیینی جوامع انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد و معمولاً از این داده‌ها برای سنجش جایگاه اجتماعی و کنش‌گری فرد متوفی و بازشناسی سلسله مراتب اجتماعی استفاده می‌شود (Saxe, 1970; Binford, 1971; Tainter, 1978; O'Shea, 1983; Gillespie, 2000). اما در کنار تدفین‌های انسانی، موارد متعددی هم از تدفین حیواناتی چون سگ (Morey, 2006; 2010)، اسب (برای نمونه رک: خلعتبری، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، رضالو، ۱۳۹۱) و گربه (به ویژه در مصر رک: Clutton-Brock, 1981; Ikram, 2103) چه به صورت منفرد و چه به صورت همراه با انسان، در گوشه و کنار جهان گزارش شده است. در میان این حیوانات، سگ جزو مهم‌ترین و قدیمی‌ترین‌ها بوده و بیشترین فراوانی تدفین را در بین تمام جوامع انسانی از گذشته‌های بسیار دور (دوران پارینه‌سنگی جدید) تا به امروز داشته است (برای مرور این موضوع رک: Crockford, 2000; Morey, 2006, 2014).

اگرچه همچنان بحث‌های فراوانی درباره زمان، مکان، تبار و فرایند اهلی‌سازی این حیوان وجود دارد و برخی اهلی‌سازی آن را در حدود ۱۵۰۰۰ سال پیش (Shannon et al. 2015; Pang et al. 2009) و برخی هم حدود ۳۰۰۰۰ سال پیش (Germonpre et al. 2009; Skoglund et al. 2015; Druzhkova et al. 2013)، برخی محل اهلی‌سازی را در خاور نزدیک (von Holdt et al. 2010)، حتی خاور دور (Axelsson et al. 2013; Savolainen et al. 2002; Pang et al. 2009) و یا در چندین منطقه مجزا دانسته‌اند، اما با توجه به شواهد باستان‌شناختی به نظر می‌رسد که تطور همزمان انسان و سگ به دوره پارینه‌سنگی جدید باز می‌گردد و حتی برخی بر این باورند که رابطه انسان و سگ برای انسان‌های اولیه منافع بسیاری به همراه داشته و احتمالاً در رقابت و غلبه بر نئاندرتال‌هایی که سگ نگه نمی‌داشتند، نقش مهمی ایفاء کرده است (Taçon and Pardoe, 2002; Shipman, 2015).

شواهد تاریخی و مردم‌شناسی، مشخص می‌کند که سگ حیوانی وفادار به انسان بوده که نقش مؤثری در امنیت زندگی روستایی و عشایری، حفاظت از گله‌های دامی و حریم خانه برعهده داشته و حتی در زندگی شهری امروزی نیز به عنوان یک همراه و همدم خانگی در کنار انسان حضور دارد، یا در





اموری همچون تشخیص مواد مخدر، تشخیص بو، مسیریابی و کمک به معلولین، امور پلیسی به کار گرفته می‌شود (محمّدی ملاسرای و موسوی، ۱۳۸۲؛ Scanes, 2018: 28-30). از منظر جهانی، سگ هم به عنوان خوراک، هم به عنوان نیروی کار در مزارع و هم به عنوان یک همدم عاطفی و اجتماعی، دارای اهمیت است (Miklosi, ۲۰۱۴). در کنار آن یافته‌های باستان‌شناسی نیز شواهد جالب توجهی را آشکار می‌کند که نشان می‌دهد حیوان مذکور در برخی از جوامع باستانی به ویژه در خاور نزدیک اهمیت آیینی داشته، و در مناطقی چون لوانت و آسیای صغیر نقش مهمی در باورهای آیینی ایفاء کرده است (Edrey, 2008).

تاکنون نمونه‌هایی از تدفین سگ در جوامع پیش از تاریخی/آغاز تاریخی ایران و همچنین به تعداد زیاد در دیگر مناطق جهان شناسایی شده است. اگرچه دفن ساده لاشه یک حیوان بنا به دلایل بهداشتی ضرورت دارد، اما به خاک سپردن این حیوان در کنار جسد انسان آن هم با آداب و آیین ویژه، مقوله جداگانه و کاملاً متفاوتی است که این پژوهش به چند و چون آن می‌پردازد. تحقیق پیش‌رو به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای و مطالعه منابع مرتبط با این نوع تدفین صورت گرفته است. در این نوشتار به بررسی نظریه‌های مختلف تدفین سگ و خاستگاه احتمالی این پدیده و یافته‌های این نوع تدفین در جهان ایرانی می‌پردازیم.

مروری بر اهمیت سگ در باورها و آیین‌های ایران باستان

سگ در ایران باستان، همانند اسب، شتر و گاو میش، بسیار ارزشمند شمرده شده، چنان که یک فصل کامل از کتاب زند اوستا به نقش مثبت سگ‌ها، تربیت مناسب آنان و مجازات کسانی که با آنان بدرفتاری کند، اختصاص یافته است. این جانور در زبان اوستایی سپین^۱ و در سانسکریت سون^۲ خوانده شده است (پورداد، ۱۳۵۵: ۲۰۲ و ۲۰۷؛ رک: محمّدی ملاسرای و موسوی، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۷۵). در فرگرد سوم وندیداد در پاره ۳-۲ از اهوره‌مزدا پرسیده شده: «ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدّس، بگو بدانم زمین خوشبخت در درجه دوم کدام است؟ اهوره‌مزدا پاسخ داد و گفت: زمین خوشبخت در درجه دوم جایی است که مرد پارسا در آنجا خانه بسازد و پیشوای دین و فرزند و رمه را در آن جای دهد. رمه و علوفه و سگ و فرزند و آتش و هر آنچه برای زندگی مفید و سودمند است پرورش دهد» (رک: اوستا، وندیداد، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۷). همچنین در فرگرد پانزدهم، پاره ۶-۳، آزار و اذیت یا بی‌مهری به سگ‌ها از گناهان بزرگ کفاره‌ناپذیر یاد شده است (همان: ۲۳۱-۲۳۰). سگ، حیوان اهوره‌مزدا، در دین باستانی ایرانیان تأثیر بسزایی داشته است و دفع ارواح خبیث بر عهده‌اش بوده است و یک سنت کهن به نام سگ‌دید وجود داشته که در هنگام دفن میت سگ آن را می‌دید (شوالیه و گربران،

1. Span
2. Svan

۱۳۸۲: ج ۳، ۶۱۵).



■ شکل ۱: نقش برجسته‌ای که میترا را در حال کشتن گاو نر نشان می‌دهد، در حالی که حیواناتی چون سگ و مار از خون او تغذیه می‌کنند، موزه لوور (مأخذ: Soudavar, ۲۰۱۴: fig. ۴).

علاوه بر آیین زردشتی، در تصاویر و نقوش برجای مانده از آیین کهن میترایسم نیز، سگ حضور دارد و یکی از چند حیوان میترایبی است که از خون گاو نری که توسط میترا کشته شده، تغذیه می‌کند (شکل ۱). چنین صحنه مقدسی را اغلب به اسطوره آفرینش و خلقت جهان ارتباط داده‌اند و سگ را نماد نیروهای نیک و خیر تلقی کرده‌اند (نک. Hin-nells, 1997: 80). اهمیت این موضوع در آن است که پژوهشگران معتقدند که ریشه‌های میترایسم به دوره ماد و باورهای ساکنان سرزمین ماد می‌رسد

(See Bivar, 2005). به گفته هرودت، مغ‌ها (یکی از قبایل شش گانه مادی)، غیر از سگ و آدم هر حیوانی را با دستان خود می‌کشند (book I: 140). با توجه به جایگاه مذهبی مغان مادی، این موضوع از نقطه نظر آیینی بسیار قابل تأمل است. همچنین هرودت در جای دیگری گفته است که آستیاگ، پادشاه ماد، گله‌داری به نام مهرداد داشت که به همراه همسر خود، مخفیانه و دور از چشم شاه، کوروش نوزاد را نزد خود پرورش دادند. هرودت نام زن مهرداد مادی را اسپکو^۱ ذکر کرده و نوشته است که این نام در زبان مادی به معنی ماده سگ است (book I: 110).

هر دو روایت یادشده به خوبی نشان‌دهنده تکریم آمیخته به تقدس سگ نزد ساکنان نیمه شمالی سرزمین ایران، یعنی همان مردمان ماد باستان است. جالب آن که امروزه نیز در برخی از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی که عمدتاً در سرزمین ماد رایج است، ازجمله تالشی، سنگسری، سمنانی، شهمیرزادی، کاشانی و غیره از واژه مشابهی برای سگ استفاده می‌شود. بعلاوه در زبان گُردی (رک: هه‌ژار، ۱۳۷۶: ۴۳۱)، به‌ویژه پیروان امروزی آیین یارسان (اهل حق) در منطقه گوران و قلخانی در غرب استان کرمانشاه، نان ویژه‌ای را که برای سگان خود می‌پزند، سَپِک^۲ (نان سگانه) می‌گویند که یادآور واژه باستانی مذکور است.



پژوهشی بر چگونگی
تدفین سگ در ایران
باستان



مروری بر تدفین سگ در جهان با تأکید بر منطقه جنوب غرب آسیا

برپایه مدارک باستان‌شناسی در تدفین سگ دو روش عمده مشاهده شده است. در متدوال‌ترین روش، سگ به‌طور منفرد و بدون پیوستگی با تدفین انسانی دفن شده و گاهی نیز یک یا چند سگ در کنار جسد یک انسان دفن شده‌اند (Morey, 2010: 151; Crockford, 2000; Morey, 2006). تاکنون موارد بسیار زیادی از تدفین سگ در بخش‌های مختلف دنیا از جمله اروپا (برای نمونه رک: Day, 1984; Morey and Wiant, 1992; Cole and (Aaris-Sorensen, 2001; Correia, 2013; Koerper, 2002)، آمریکای مرکزی (Azua, 2000) و خاور نزدیک و دور شناسایی شده است. موری با مطالعه‌ای جامع در تمام بخش‌های دنیا نشان داده که قدمت نخستین تدفین‌های سگ به مرحله گذار از پلیستوسن به هولوسن حدود ۱۵۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ سال پیش باز می‌گردد (Morey, 2010: 150-153). (2014) و معتقد است که اهلی‌سازی سگ بر اساس مواد فرهنگی در همین بازه زمانی روی داده است (Morey, 1994, 1995; 2006, 2014).

قدیمی‌ترین مدرک مربوط به تدفین سگ در سال ۱۹۱۴ میلادی از معدنی در شهر اوبرکاسل آلمان کشف شد که قدمت آن به حدود چهارده‌هزار سال پیش باز می‌گردد (Morey, 2006: 168). از نمونه‌های قابل ذکر تدفین سگ در خاور نزدیک می‌توان به تدفین ۳ سگ از محوطه‌های ناتوفی عین ملاح و تراس هایونیم در شمال فلسطین اشغالی اشاره نمود که به‌عنوان شواهدی از اهلی‌سازی این حیوان قلمداد شده‌اند (Davis and Valla, 1978; Tchernov and Valla, 1997). همچنین از محوطه چاتال‌هویوک در آناتولی نیز تدفین یک سگ در زیر یک سکو که یک مرد بالغ در آن دفن شده بود، گزارش شده است (Russell and During, 2006: 75-76).

به‌طور کلی تدفین سگ در خاور نزدیک به ویژه در لوانت و آناتولی از دوران نوسنگی تا دوران تاریخی به فراوانی گزارش شده که عمدتاً از بافت‌های آیینی، برخی در درون یا نزدیک معابد یا محل‌های آئینی کشف شده‌اند و برخی دیگر با ظروف آئینی همراه بوده‌اند (برای مرور این موضوع رک: Edrey, 2008). به‌عنوان نمونه در داخل یک فضای آئینی در گیلات^۱ شش سگ به همراه یک پیشکشی دفن شده بودند که تاریخ آن به دوره مس‌سنگی می‌رسد (Levy et al. 2006). یا در تل‌هرور^۲ استخوان حیوانات متعدّد، عمدتاً توله‌سگ و کلاغ، از درون یک چاله تدفینی در داخل معبدی با تاریخ عصر مفرغ میانی به همراه ظروفی چند کشف شده است (Oren, 1993). دیگر نمونه تدفین سگ در عصر مفرغ میانی در نزدیکی یک مکان آئینی در لاکیش به‌دست آمده است (Ussishkin, 1996). در تل میکنه^۳ نیز بقایای یک توله‌سگ با جمجمه از هم جدا شده که در بین پاهایش قرار داشت، در فضایی آئینی به همراه یک

1. Gilat
2. Tel Haror
3. Tel Miqne

چاقوی آهنی یافت شد. بقایای دیگری از استخوان‌های سگ با آثار بریدگی در جاهای دیگر محوطه که تاریخ همه آنها مربوط به عصر آهن بود، به دست آمده است (Dothan, 2002: 17). در تل یاونه^۱ گودال بزرگی حاوی مقدار زیادی از کاسه‌های سفالی، میزهای سه پایه آیینی و قطعاتی از استخوان حیوانات، از جمله استخوان‌های متعلق به یک سگ، که تاریخ همگی آنها به عصر آهن II باز می‌گردد، یافت شده است. این گودال احتمالاً با معبد فلسطینی مجاور آن مرتبط بود (Wapnish and Hesse, 1993: 68-69).

از دوران هخامنشی و هلنیستی در لوانت آثار تدفین سگ از برخی مکان‌ها گزارش شده است. برای مثال در خلد^۲، واقع در ساحل لبنان، هشت تدفین سگ از زیر چندین سنگ بزرگ (احتمالاً استل) بیرون آورده شد. این تدفین می‌تواند با گورستان فنیقی عصر آهن I و یا استقرارهای ایرانی - هلنی ارتباط نزدیکی داشته باشد. همچنین در تل دور^۳، تل ال هسی^۴، تل هاجراید^۵، تل اشدود^۶، شوهام^۷، تل قصیل^۸، در آپولونیا - آرسوف^۹، جازر^{۱۰}، تل حسبان^{۱۱}، اورشلیم^{۱۲} و گان سورک^{۱۳} بقایای اسکلت سگ که برخی از آنها بدون سر بوده‌اند، عموماً در کنار ظروف کشف شده‌اند. همه این تدفین‌ها به دوره هخامنشی یا هلنی باز می‌گردند. علاوه بر این، در کاوش‌های سارد تعداد ۲۷ جعبه تدفینی یافت شد که درون بسیاری از آنها اسکلت یک توله سگ به همراه ظروف سفالی و شرابخوری قرار داشت. همه این جعبه‌های تدفین مربوط به سده ششم پ.م بوده و تاریخی در حدود ۵۷۵ - ۵۲۵ پ.م داشتند (Edrey, 2008: 275-276؛ ادری، ۱۳۹۷: ۴۶-۴۵).

پرشمارترین یافته‌های منطقه لوانت در زمینه تدفین سگ از محوطه عسقلان به دست آمده است. در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ میلادی، در مجموع ۱۴۰۰ مورد تدفین سگ از محوطه مذکور، مربوط به بازه زمانی نیمه دوم سده پنجم تا آغاز سده چهارم پ.م، همزمان با دوره هخامنشی، کشف شد (Stager, 1991: 27-30). این سگ‌ها در چاله‌های کم عمق و سطحی به پهلو دفن شده بودند و دم حیوان بین پاهای عقبی جمع شده بود. هیچ هدیه تدفینی همراه اجساد نبود. ۶۰ تا ۷۰ درصد سگ‌ها توله بودند. مطالعه استخوان سگ‌ها نشان داد که سگ‌ها به مرگ طبیعی مرده‌اند، زیرا علایم قصابی روی اجساد آنها وجود نداشت و یا سگ‌ها قربانی نشده بودند (Wapnish & Hesse, 1993).



1. Tel Yavne
2. Khalde
3. Tel Dor
4. Tell el-Hesi
5. Tel Hajar Eyid
6. Tel Ashdod
7. Shoham
8. Tel Qasile
9. Apollonia – Arsuf
10. Gezer
11. Tel Hesban
12. Jerusalem
13. Gan Soreq



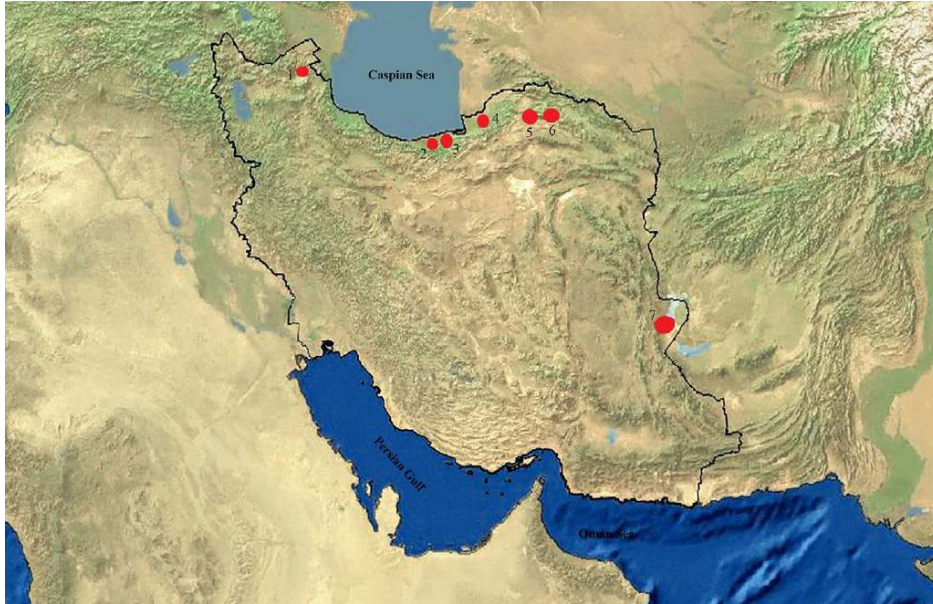
درباره علت تدفین سگ‌ها در عسقلان و اختصاص یک محل خاص برای آنها طی دوره هشتاد ساله حضور پارسیان، بحث‌های بسیاری مطرح شده است. استگر، کاوشگر محوطه، با اشاره به احترام سگ نزد پارسیان، همچنین عدم دفن جسد به منظور جلوگیری از آلودگی خاک، فینقی‌ها را مسئول تدفین دانسته و معتقد است که اینان سگ‌های معبد بوده‌اند که پس از مرگ طبیعی به شکل محترمانه به خاک سپرده شده بودند و در واقع آن را در ارتباط با فعالیت‌های آیینی قلمداد نموده است (Stager, 1991: 39). اما واپنیش و هس معتقدند که این سگ‌ها از جمعیت سگ‌های محلی بوده و هیچ قطعیتی وجود ندارد که فینقی‌ها مسئول دفن آن بوده‌اند (Wapnish & Hesse, 1993: 76). اسمیت معتقد است که این سگ‌ها در اثر یک اپیدیمی مرده بودند و به دلایل بهداشتی دفن شده‌اند زیرا سوزاندن آنان هزینه‌بر بوده و شاید باعث شیوع امراض می‌گردید (Smith, 1991: 12-14). ادری با مرور تدفین سگ در خاور نزدیک باستان معتقد است که سنت طولانی تدفین سگ در لوانت بیانگر آن است که پدیده دفن سگ در عصر هخامنشی در حقیقت یک سنت کنعانی است که توسط فرهنگ‌های مختلفی که در طول اعصار در جنوب لوانت ساکن شده بودند، مورد اقتباس قرار گرفته است (Edery, 2008: 276-277). در تازه‌ترین اظهارنظر، آن ماری اسمیت معتقد است که مردمان اهل صور^۱ به منظور مبادله سگ پرورش می‌دادند و علت دفن آنان را مسائل تجاری می‌داند (M. Smith, 2015).

علاوه بر لوانت و آناتولی، در سوریه، بین‌النهرین، امارت و آسیای مرکزی هم شواهدی از تدفین سگ گزارش شده است. برای مثال در تل موزان، در استان حَسکه در شمال شرق سوریه، گودال‌هایی با استخوان بیست توله‌سگ و یک سگ بالغ به همراه استخوان‌های بچه خوک، الاغ، گوسفند و بز که عموماً سلاخی شده بودند، کشف شد. این یافته‌ها مربوط به ۲۳۰۰ - ۲۱۰۰ پ.م بوده است (Buc-cellati, 2005: 10-11; Collins, 2004). از محوطه اونار^۲ در امارات متحده عربی نیز تدفین هم‌زمان سگ و انسان گزارش شده است. در این محوطه گوری کشف شده که حاوی بقایای استخوانی یک زن و یک سگ است که تاریخ آن به چهارهزار سال پیش باز می‌گردد. در گورهای گورستان گنورتپه در برخی از گورهای چاله‌ای ساده اسکلت کامل یا بخشی از اسکلت سگ به همراه جسد کشف شده است (Sarianidi, 2007: 85). همچنین در بین‌النهرین از معبد گولا/نینیسینا^۳، الهه شفا بخشی بین‌النهرینی که «معبد سگ» خوانده می‌شده، در ایسین در رامپ منتهی به معبد، بیش از سی تدفین سگ گزارش شده است (Clarck, 2001: 54-55).

1. Tyrians.
2. Unar.
3. Gula/Ninisina.

تدفین سگ در ایران

در کاوش‌های باستان‌شناسی مناطق مختلف ایران نیز تاکنون مواردی از تدفین سگ گزارش شده که به مواردی از آن اشاره می‌شود (شکل ۲).



■ شکل ۲: موقعیت محوطه‌های با تدفین سگ در ایران: (۱) گورستان خرم آباد مشگین شهر، (۲) قلعه کش قائمشهر، (۳) گوهر تپه بهشهر، (۴) نرگس تپه، (۵) تپه ریوی، (۶) تپه عشق، (۷) شهر سوخته.

۱- تپه قلعه کش (طالقانی) قائمشهر

در کاوش سال ۱۳۸۱ در تپه قلعه کش (طالقانی یا کفشگرکلا) قائمشهر، یک تدفین سگ به دست آمد که در آن حیوان به پهلوی چپ و در جهت شمالی - جنوبی دفن شده بود. به همراه تدفین مذکور هیچ گونه شیئی قرار نداشت، اما مقداری خاکستر و قطعات سفالین خاکستری رنگ در اطراف تدفین در محدوده چاله گور به دست آمد (رضوانی و عابدینی عراقی، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱). کاوشگر تپه قلعه کش معتقد است که احتمالاً اسکلت یافت شده در این محوطه سگ چوپانی بوده که صاحبش برای احترام به حیوان، آن را دفن کرده است. بر اساس مطالعات اولیه، تدفین تپه قلعه کش متعلق به یک حیوان اهلی، حدوداً چهارده ساله و احتمالاً نر است. لازم به ذکر است که در میان تدفین‌های به دست آمده در تپه قلعه کش تنها گور انسانی شماره دو و این تدفین به صورت شمالی - جنوبی و در یک عمق بوده است (شکل ۳)، حال آنکه دیگر تدفین‌ها به صورت شرقی - غربی قرار داشتند (همان: ۲۰-۲۱؛ خلیلی، ۱۳۹۴: ۵۳).





■ شکل ۳: تدفین سگ در ترانشه ۱۰۱ تپه قلعه‌کش (طالقانی) (مأخذ: رضوانی و عابدینی عراقی، ۱۳۸۱).

۲- گوهرتپه



■ شکل ۴: اسکلت سگ یافت شده در ترانشه AH2XX (مأخذ: ماهفروزی، ۱۳۸۲).

گوهرتپه در غرب رستمکلا از توابع شهرستان بهشهر استان مازندران واقع شده و با سی هکتار مساحت، یکی از بزرگ‌ترین تپه‌های پیش از تاریخی جنوب شرق دریای مازندران است. این محوطه از دوران مس‌وسنگ مورد سکونت قرار داشته و طی عصر مفرغ به بیشترین مساحت خود رسیده است (Mahfroozi and Piller, 2009). در کاوش سال ۱۳۸۲ بقایای اسکلت یک سگ در کنار یک تدفین کودک کشف شد (شکل ۴). کاوشگر این مکان معتقد است که حیوان مذکور تدفین نشده است (ماهفروزی، ۱۳۸۲: ۲۸).

در کاوش سال ۱۳۸۵ در گمانه T.T.M گوهرتپه، اسکلت مردی ۲۵ - ۳۰ ساله یافت شد که در جهت شمال غربی - جنوب شرقی، به پهلو چپ دفن شده بود. به همراه اسکلت اشیائی چون خنجر، سربیکان



■ شکل ۵: موقعیت کشف اسکلت انسانی و تدفین خمرهای سگ در ترانشه T.T.M (مأخذ: ماهفروزی، ۱۳۸۵).

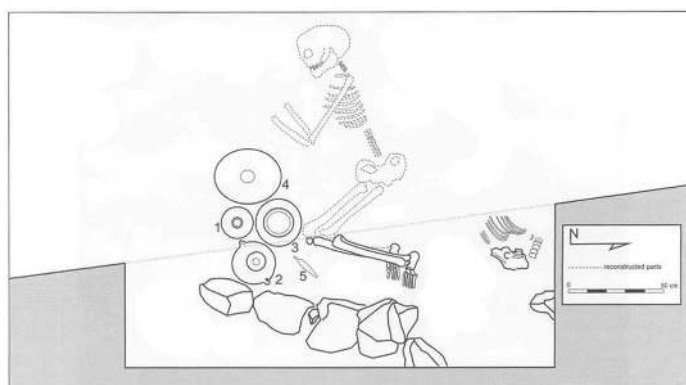


■ شکل ۶: تدفین خمرهای سگ (مأخذ: ماهفروزی، ۱۳۸۵).

و زیورآلات مفرغی و طلایی و دو خمره بزرگ قرمز رنگ دفن شده بود. درون خمره‌ای که در زیر پای اسکلت قرار داشت، بقایای اسکلت یک سگ به دست آمد که به صورت چمباتمه قرار داشت. همراه این سگ دو ظرف سفالی قرار داده شده بود. یک ظرف عدسی شکل در بین پاهای آن و به رنگ قهوه‌ای تیره و دیگری به خاکستری روشن بوده که به صورت وارونه در زیر گردن سگ قرار داده شده است (ماهفروزی، ۱۳۸۵: ۱۸۴-۱۸۳؛ رسولی و میری آهودشتی ۱۴۰۰: ۸۷). این حیوان بدون سر بوده و به نظر می‌رسد به صورت قربانی در کنار انسان دفن شده است. این تدفین حیوانی در داخل خمره، یافته‌ای منحصر به فرد است. با توجه به همجواری تدفین خمره‌ای سگ و اسکلت انسانی، می‌توان تصور کرد که متوفی صاحب حیوان بوده است (اشکال ۵ و ۶).

۳- تپه عشق بجنورد

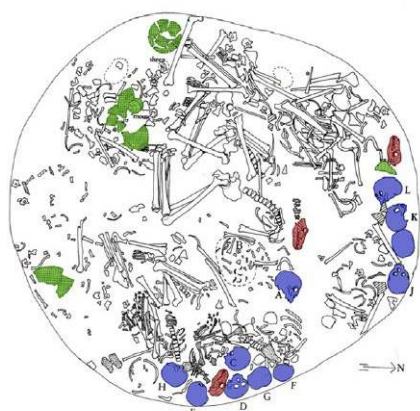
طی عملیات راهسازی در اطراف شهر بجنورد آثار یک تدفین آشکار شد که در اثر فعالیت بولدزور به شدت آسیب دیده بود. این گور حاوی یک تدفین انسانی به همراه بقایای اسکلت یک سگ است که در وضعیتی جمع شده نزدیک پای اسکلت انسانی دفن شده بود (شکل ۷). علی‌اکبر وحدتی براساس هدایای تدفینی و تدفین سگ و مقایسه آن با گنورتپه، این تدفین را مربوط به فرهنگ بلخی/مرویی تاریخ گذاری کرده است (Vahdati, 2014).



■ شکل ۷: تدفین انسانی و بقایای اسکلت سگ در تپه عشق بجنورد (مأخذ: Vahdati, ۲۰۱۴: ۲۲).

۴- شهر سوخته

شهر سوخته مهم‌ترین محوطه‌های استقرار جنوب شرق ایران است که از اواخر هزاره چهارم تا اوایل هزاره دوم پ.م مورد استقرار قرار گرفته است (Tosi, 1983؛ سیدسجادی، ۱۳۸۸). گورستان شهر سوخته با ۲۵ هکتار مساحت تاکنون طی ۱۶ فصل مورد کاوش قرار گرفته و تدفین‌های متعددی از آن شناسایی شده است (Sajjadi, 2003; Sajjadi et al. 2008؛ سیدسجادی، ۱۳۹۷). از جمله این تدفین‌ها می‌توان به قبر دسته‌جمعی ۱۰۰۳ اشاره نمود که در آن جمجمه‌های ۱۳ انسان بر روی دیوار قبر نهاده شده بود و در مرکز قبر نیز بقایای اسکلت یک مرد ۴۵ ساله به همراه دو جمجمه سگ و یک جسد کامل سگ قرار داشت (سیدسجادی، ۱۳۸۴: ۴۳۵). لازم به ذکر است که جمجمه جراحی شده دختر ۱۰-۱۲ ساله نیز از همین قبر به دست آمده است (گفت‌وگوی شخصی با سیدسجادی) (شکل ۸).



■ شکل ۸: طرح گور ۱۰۰۳ از شهر سوخته (سپاس از دکتر سید سجادی برای در اختیار قرار دادن این تصویر).

۵- تپه ریوی

محوطه ریوی در شمال شرقی دشت کوچک میان کوهی سملقان، در ده کیلومتری جنوب جلگه رود اترک قرار دارد. از کاوش تپه ریوی دو تدفین سگ به دست آمده است. یکی از تدفین‌ها طی کاوش فصل چهارم در این محوطه به دست آمد (جعفری و تومالسکی، ۱۳۹۷). کاوشگر تپه ریوی اعتقادی به تدفینی بودن اسکلت سگ یافت شده در این محوطه ندارد (گفت‌وگوی شخصی با جعفری). اما تدفین دوم طی فصل ۲۰۱۶-۲۰۱۷ در پروژه مشترک ایران-آلمان به دست آمد. این تدفین در ترانشه LM-18 در تپه ریوی A در جنوبی‌ترین قسمت محوطه به دست آمد. در واقع ترانشه مزبور حاوی نهشته‌ها و بقایای معماری عصر آهن ۲ و ۳ بود که به وسیله یک تدفین انسانی (مرد) و یک تدفین سگ که در چاله‌های مجزا دفن شده بودند، بریده شده بودند. با توجه به وضعیت لایه‌نگاری قطعاً این تدفین‌ها جدیدتر از عصر آهن ۳ بوده و کاوشگر معتقد است که تدفین انسان و سگ همزمان صورت گرفته است (Jafari and Thomalsky 2017: 89) (شکل ۹).



■ شکل ۹: تدفین انسان و سگ از ترانشه LM-18 تپه ریوی (مأخذ: Jafari and Thomalsky ۲۰۱۷، fig. ۲۲).

۶- نرگس تپه

نرگس تپه در استان گلستان در ۷ کیلومتری شمال شهر گرگان و ۳۵ کیلومتری شرق دریای مازندران قرار دارد. نتایج کاوش‌های انجام شده نشان می‌دهد که این محوطه از اواخر دوران مس‌وسنگ، دوران مفرغ قدیم، میانی و جدید، عصر آهن ۳ و دوران اسلامی مورد سکونت بوده است (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۳). از لایه‌های عصر آهن نرگس تپه در یک تدفین گروهی، بقایای اسکلت دو سگ به دست آمد. در این گور یک زن ۱۸ تا ۲۲ ساله (تدفین ۶۰۳)، یک کودک ۳ تا ۴ ساله (تدفین ۶۰۴) و دو سگ نابالغ دفن شده بود. اسکلت زن در جهت غربی - شرقی دفن شده بود و اسکلت کودک در بین پاهای زن قرار داشت. بقایای دو سگ یکی در شمال اسکلت زن با جهت غربی - شرقی و دیگری در جنوب غربی اسکلت زن با جهت شمالی - جنوبی قرار داشت (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۳) (شکل ۱۰).



فصلنامه بنیان هنر
شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۴۱



■ شکل ۱۰: طرح گور ۱۰۰۳ از شهر سوخته
(سپاس از دکتر سید سجادی برای در اختیار قرار دادن این تصویر).

۷- گورستان خرم‌آباد اردبیل

گورستان باستانی خرم‌آباد در ۷ کیلومتری غرب مشگین‌شهر قرار دارد و طی یک فصل در سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ کاوش شد (رضالو، ۱۳۹۱: ۲۱۳-۲۱۴). کاوشگران این گورستان، گورهای شناسایی شده را تحت عنوان کورگان‌های سکایی معرفی کرده‌اند (رضالو و آیراملو، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶؛ رضالو و همکاران، ۱۳۹۷). گور ۲۲ که در وسط دو گور دیگر قرار داشت، گور اصلی بوده و حاوی تدفین انسانی متعلق به مردی ۲۵-۳۵ ساله بوده است. در دو گور دیگر که با عنوان کورگان‌های ۲۶ و ۲۴ نامگذاری شده، هدایای تدفینی مربوط به گور ۲۲ قرار داشت. در کورگان ۲۴ اجساد ۳۴ اسب دفن شده بود. کورگان ۲۶ در ۲ متری غرب گور ۲۲ قرار داشت و در آن ۸ اسب، ۲ گاو و ۲ سگ دفن شده بود. نکته درخور توجه در مورد تدفین این حیوانات آن است که هیچ اثری مبنی بر کشتن آنها مشاهده

نشد. به نظر می‌رسد که این حیوانات خفه شده و سپس در گور دفن شده‌اند. مرکزی‌ترین اسکلت کورگان ۲۶ متعلق به یک گاو بود. در قسمت جنوبی این گور، دو سگ بر روی یکدیگر و هر دوی آنها بر روی یک اسب دفن شده بودند (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۴). از گور ۲۶ تعدادی پلاک مفرغی شکسته به دست آمد که گویا بر گردن حیوانات آویخته شده بود (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۶). کاوشگران معتقدند که گور اصلی متعلق به یک بزرگ‌زادهٔ سکایی و دو کورگان کناری، تدفین‌های حیوانی مربوط به این گور بوده‌اند (رضالو و همکاران، ۱۳۹۷).

بحث

مطالعات گسترده‌ای که بر روی تدفین سگ در بخش‌های مختلف دنیا صورت گرفته، دلایل عدیدی را برای تدفین سگ در دوران پیش از تاریخ تا دوران معاصر در برخی از کشورهای غربی^۱ ارائه کرده است. برخی از پژوهشگران با استناد به اساطیر برخی از ملل معتقدند که وظیفهٔ سگ در دنیای مردگان، راهنمایی ارواح بوده است، به عبارتی سگ، پس از اینکه همراه انسان در روز زندگی بوده، بلدوی در شب مرگ نیز بوده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ج ۳، ۶۰۷-۶۰۱). برخی هم معتقدند که چون سگ‌ها بخش حیاتی زندگی روزمره انسان در دوران پیش از تاریخ بوده‌اند، به‌طور طبیعی راهشان را به دنیای معنوی نیز باز نموده‌اند و در تدفین‌ها هم همراه انسان بوده‌اند (Morey, 2008: 271).

یک نظریهٔ دیگر، به‌طور کلی، دفن حیوانات به ویژه تدفین سگ به همراه انسان را به باورهای شمنی مرتبط دانسته است (الیاده، ۱۳۹۲: ۶۷۸-۶۷۷). در همین ارتباط، تدفین یک زن به همراه بقایای بخش‌های از جسد حیوانات در غار هیلازون لوانت که به دوره فراپارینه‌سنگی تاریخ‌گذاری شده، به‌عنوان یک سنت شمنی تفسیر شده است (Grosman et al. 2008).

اما برخی نیز جنبه آیینی را از تدفین سگ زوده و با استناد به نمونه‌های جدیدتر معتقدند که مدارک حاصل از تدفین سگ‌ها حاکی از آن است که این حیوان حداقل به‌عنوان عضوی از گروه یا خانوادهٔ انسان سزاوار تدفین بوده است که این موضوع دلالت بر این دارد که ارتباط بین افراد و حیوانات همدم از نوع عاطفی بوده است (Mornement, 2018: 281). مورنمنت بر اساس نظریهٔ «دوستداری موجودات زنده» (biophilia) که توسط ویلسون بیان شده و بر اساس آن تمایل و خواست انسان برای توجه و داشتن ارتباط با حیوانات، یک گرایش زیست‌شناختی به‌شمار می‌رود، معتقد است که مفهوم «دوستداری موجودات زنده» اشاره به پیوستگی ذاتی انسان با جهان هستی دارد، همچنان که خود را به‌صورت گرایش انسان‌ها به برهمکنش و تشکیل پیوستگی‌های عاطفی با دیگر اشکال حیات بروز داده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد حیوانات نسبت به اشیاء بیشتر توجه و علاقهٔ انسان را جلب می‌کنند و فرض بر آن است که توجه نمودن به حیوانات از یک منظر تطوری، سبب شایستگی (fitness)



۲. لازم به اشاره است امروزه نیز در شهرهایی همچون لندن و نیویورک گورستان‌هایی مخصوص دفن لاشه سگ‌ها تعبیه شده است (Morey ۲۰۱۰).



و مزایای بقاء می‌شود (Ibid: 283). در واقع مطالعه گرایش به سوی حیوانات دربرگیرنده مجموعه‌ای از جنبه‌های تطوری، روانشناختی و فرهنگی است (Serpell, 2004). بر این اساس، تدفین سگ‌ها بازتابی از سازش‌پذیری اجتماعی قابل توجه بین انسان و سگ است. ارتباط بین مردم و سگ‌ها یک ارتباط کاملاً اجتماعی است و بر این اساس تدوام سگ‌ها در طول زمان را می‌توان حداقل تا حدودی محصولی از انتخاب اجتماعی دانست (Morey, 2006). در این منظر، به قول کتی داگلاس، «زیست‌بوم طبیعی سگ، خانواده انسانی است و هنگامی که اعضای خانواده می‌میرند، ما معمولاً آنان را دفن می‌نماییم» (Douglas, 2000: 24). در این نظر در واقع سگ به عنوان «بهترین دوست انسان» دفن می‌شده است (Griffin, 1967: 178).

در مورد تدفین‌های سگ که در ایران کشف و شناسایی شدند، از نظر زمانی تمامی این تدفین‌ها مربوط به بازه زمانی اواسط هزاره سوم تا اواسط هزاره اول پ.م است و به استثنای شهرسوخته، همگی از نیمه شمالی ایران گزارش شده‌اند. با مروری بر چگونگی تدفین سگ در ایران در می‌یابیم که این تدفین‌ها در بسترهای متفاوتی صورت گرفته است. در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان تدفین‌های مزبور را به چهار گروه تقسیم کرد:

الف) تدفین‌هایی که همراه با انسان دفن شده‌اند، مانند نمونه‌های تپه عشق، نرگس تپه و نمونه «ب» تپه ریوی

ب) تدفین‌هایی که به نظر می‌رسد در آن سگ‌ها به عنوان قربانی و هدایای تدفینی نقش داشته‌اند، مانند نمونه‌های شهرسوخته و گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر و نمونه «ب» تدفین خمره‌ای سگ از گوهرتپه

ج) تدفین ساده سگ بدون آداب و مناسک خاص، مانند نمونه تپه قلعه کش قائمشهر
د) لاشه‌های سگ که احتمالاً به طور اتفاقی دفن شده‌اند، مانند نمونه‌های الف تپه ریوی و نمونه الف گوهرتپه که به سبب تصادفی بودن آنان نیازی به تحلیل ندارند.

با توجه به تنوع در بستر باستان‌شناختی و روش‌های متفاوت تدفین سگ در این محوطه‌ها نمی‌توان همه این تدفین‌ها را بر اساس یک نظریه واحد توضیح داد. بر این اساس می‌توان هر دسته از این تدفین‌ها را به صورت جداگانه تحلیل نمود. تدفین‌های تپه عشق مربوط به عصر مفرغ میانی و جدید، تدفین نرگس تپه مربوط عصر آهن ۳ و تدفین «ب» تپه ریوی جدیدتر از عصر آهن ۳ (احتمالاً هخامنشی/اشکانی؟) بوده است. این دو محوطه، به ویژه گوهر تپه، در مسیر مهاجرتی شمال شرقی آریایی‌ها به ایران قرار دارند (Kozmina, 2007: 70-79). با توجه به اینکه تدفین تپه عشق مربوط به فرهنگ «مجموعه باستان‌شناسی بلخی - مروی» قلمداد شده، لازم است اشاره شود که ساریانیدی با توجه به اهمیت سگ در باور ایرانیان باستان، حضور سگ در تدفین‌های این عصر را نشانه «الحاد ایرانی» (Paganism) تصور کرده و آن را به عنوان شواهد اولیه پروتوزرتشتی تفسیر نموده است (Sari-

anidi, 2007: 160-180). البته این دیدگاه توسط لمبرگ کارلوفسکی مورد انتقاد قرار گرفت. به طور کلی کارلوفسکی ارتباط دادن شواهد باستان‌شناختی به اقوام و آیین‌ها را بدون منابع مکتوب گمراه کننده قلمداد نموده است (Lamberg-Kalovski, 2002, 2003). در حالیکه به احتمال سنت تدفین برخی از حیوانات همچون اسب و سگ به احتمال با ورود اقوام مهاجر آریایی به ایران متداول شده باشد (Day-son and Muscarella 1989).

در این زمینه لازم است اشاره شود که تاکنون تدفین سگ چه به صورت منفرد چه به همراه انسان در سرزمین اصلی پارسیان، در استان فارس امروزی گزارش نشده است. نکته قابل توجه این است که در گوهرتپه سگ به همراه جنس مذکر و در نرگس‌تپه به همراه جنس مؤنث دفن شده است که نشان می‌دهد جنسیت در تدفین حیوانی مد نظر نبوده است. علاوه بر این، در تدفین‌های نوع «مجموعه باستان‌شناختی بلخی- مروی» در چلو، حیواناتی همچون بزغاله با تزیینات و مناسکی پیچیده در قبور انسانی دفن شده‌اند (وحدتی و بیشونه، ۱۳۹۴). در نتیجه با توجه به فراگیر نبودن تدفین سگ در دوره‌های مذکور و همچنین حضور حیوانات دیگر در تدفین‌ها، نمی‌توان یک باور فراگیر را از این تدفین‌ها استنباط نمود، بلکه صرفاً می‌توان وجود سگ در تدفین‌ها را به سبب ارتباط نزدیک این حیوان با انسان در زندگی روزمره تفسیر نمود.

اما در نمونه‌های شهرسوخته، نمونه ب گوهرتپه (تدفین خمره‌ای) و گورستان احتمالاً سکایی خرم‌آباد، با شواهد مستقیمی از قربانی کردن سگ‌ها مواجه‌ایم. در این تدفین‌ها سگ با مناسک خاصی دفن شده است. در شهرسوخته در یک تدفین پر تکلف، جسد یک مرد میان سال در مرکز قبر دفن شده و ۱۳ جمجمه در اطراف قبر کار گذاشته شده است. همان‌طور که کاوشگر محوطه اذعان داشته، احتمالاً در چنین تدفین‌هایی با شواهد قربانی کردن انسان مواجه‌ایم (سیدسجادی، ۱۳۸۴: ۴۳۴). البته با توجه به حضور جمجمه سگ‌ها در تدفین، به احتمال فراوان در اینجا بحث قربانی کردن سگ نیز مطرح است. بی‌شک چنین تدفین پر تکلفی در یک شهر هزاره سوم پ.م، بازتاب دهنده اهمیت فرد متوفی است. از دو طریق می‌توان این تدفین را تفسیر نمود، یا اینکه فرد متوفی شخصی با جایگاه اجتماعی بالا بوده، یا به احتمال قوی‌تر، تدفین مزبور نشان‌دهنده یک کاهن یا شمن یا فردی بلندمرتبه در دستگاه مذهبی شهرسوخته بوده است. چنانکه گفته شد، در گورستان خرم‌آباد مشکین شهر نیز شواهد قربانی کردن سگ به همراه اسب و گاو به دست آمده است. همان‌طور که کاوشگر محوطه اذعان داشته گورستان مزبور مربوط به سکاهای بوده و به احتمال مدفن یک فرد بلندمرتبه یا شاهزاده سکایی بوده است (رضالو، ۱۳۹۱). یکی از بزرگ‌ترین الهه‌هایی که در میان سکاهای اهمیت بسیار بالایی داشت، تابیتی-وستا بود و سگ از جمله حیوانات مقدس این الهه به شمار می‌رفت (رایس، ۱۳۷۰: ۸۲). در نتیجه به نظر می‌رسد که حضور سگ در هدایای تدفینی سکاهای، از جمله در گورستان خرم‌آباد، کاملاً بر اساس باورهای دینی این قوم بوده است. در گوهرتپه، سگ با





مناسک ویژه و خاصی در دوران یک خمره دفن شده و دو ظرف سفالی هم به همراه آن دفن شده است. با توجه به اینکه این سگ بدون سر دفن شده است، به عنوان حیوان قربانی تفسیر شده است (رسولی و میری دشت‌آهوی ۱۴۰۰). به نظر می‌رسد این سه تدفین مربوط به فرهنگ‌های مختلفی بوده و سنت قربانی کردن و دفن سگ از باورهای دینی آنان نشأت گرفته بوده است.

دسته سوم تدفین سگ در ایران تدفین سگ به صورت منفرد و بدون هرگونه مناسک تدفینی است. این نوع تدفین بیشتر بازتاب رابطه اجتماعی دوسویه بین سگ و انسان است و به احتمال زیاد به عنوان یک دوست و همراه دفن شده‌اند و لزوماً تدفین سگ نشان‌دهنده باورهای اعتقادی مردمان آن زمان نیست.

نتیجه‌گیری

سگ یکی از نخستین حیواناتی است که توسط انسان اهلی شده است و پس از آن نیز به دلایل مختلفی از جمله وفاداری و فداکاری ذاتی این حیوان نسبت به انسان، همواره از جایگاه مهمی در فرهنگ‌های مختلف جوامع انسانی، حتی باورهای دینی و آیینی برخوردار بوده است. نقش مؤثر و حیاتی سگ در زندگی شهری، روستایی، شبانی و عشایری سبب شده در برخی نقاط دنیا این حیوان پس از مرگ نیز مانند انسان با احترام به خاک سپرده شود و یا انسان را در سفر به دنیای پس از مرگ نیز همراهی کند. بنابراین به نظر می‌رسد که تدفین سگ در برخی مناطق جنبه آیینی داشته و در مناطق دیگر هم صرفاً برای آنکه همراه و همدم انسان باشد، دفن شده است. در چرایی تدفین سگ، نظرات متعددی وجود دارد؛ برخی تدفین سگ را در ارتباط با باورهای شمنی و برخی دیگر به باورهای مذهبی ریشه‌دار در خاور نزدیک و برخی آن را نشانه اهمیت سگ در زندگی روزمره انسان و همدمی او با انسان قلمداد نموده‌اند و برخی نیز عمل تدفین سگ را در مواردی به دلایل بهداشتی دانسته‌اند.

اگرچه تدفین‌های سگ در مناطقی همچون لوانت یا بین‌النهرین عمدتاً در بسترهای آیینی صورت گرفته است، اما تدفین‌های سگ شناسایی شده از مرزهای کنونی ایران نشان می‌دهد که تحلیل این یافته‌ها صرفاً بر اساس باورهای آیینی گمراه‌کننده است. در واقع در برخی محل‌ها همچون شهر سوخته و تپه خرم‌آباد مشگین‌شهر سگ نقش قربانی را ایفاء نموده که ممکن است یادآور یک کنش آیینی در این مکان‌ها باشد. اما حضور سگ در تدفین‌های به‌دست آمده از محوطه‌هایی چون تپه قلعه‌کش را شاید بتوان نشانه‌ای از حضور پررنگ این حیوان در زندگی افراد قلمداد نمود. فارغ از هر نوع تفسیر آیینی یا غیر آیینی، کشف مواردی از تدفین سگ در کاوش‌های باستان‌شناسی برخی محوطه‌های باستانی ایران، نشان از اهمیت قابل توجه این حیوان نزد ساکنان این سرزمین، به‌ویژه نیمه شمالی آن، در دوران گوناگون پیش از تاریخی و تاریخی دارد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از آقای حسن رضوانی که اجازه مطالعه و استفاده از مطالب کاوش تپه قلعه کش را به نگارندگان دادند، از آقای دکتر سیدسجادی که سخاوتمندانه طرح قبر ۱۰۰۳ را در اختیار نگارندگان قرار دادند، و همچنین از آقای علی ماهفروزی اجازه مطالعه گزارش کاوش را دادند و نیز از دوستان و همکاران گرامی خانم شیوا بخشنده، دکتر علی اکبر وحدتی، معصومه افشار، مصطفی شریفی و دکتر حسین رمضان پور که در ارتقاء کیفی این مقاله سهم داشتند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم.



پژوهشی بر چگونگی
تدفین سگ در ایران
باستان

- ادری، مایر، ۱۳۹۷، «مروری بر تدفین سگ در عسقلان هخامنشی»، ترجمه زهرا فلاحی یارولی، آباختر، تابستان، شماره پیاپی ۳۳-۳۴، صص: ۵۸-۳۹.
- اوستا، وندیداد، مجموعه قوانین زردشت، یا، وندیداد اوستا، ۱۳۸۲، به قلم جیمس دارمستتر، ترجمه موسی جوان، ویراستار علی اصغر عبداللهی، تهران: دنیای کتاب.
- پورداد، ابراهیم، ۱۳۵۵، فرهنگ ایران باستان، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری، محمدجواد و تومالسکی، یودیت، ۱۳۹۷، «گزارش فصل چهارم پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه ریوی دشت سلمقان، خراسان شمالی»، در مجموعه کوتاه مقالات شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌الله شیرازی، صص: ۱۰۱-۹۷، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- خلیلی، مهدی، ۱۳۹۴، قائم‌شهر، باستان‌شناسی و آثار تاریخی، تهران: نشر رساتش نوین.
- رایس، تامارا تالبوت، ۱۳۷۰، سکاها، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر یزدان.
- رضالو، رضا، ۱۳۹۱، «گزارش فصل اول کاوش گورستان باستانی خرم‌آباد مشگین شهر»، در چکیده مقاله‌ها یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، موزه ملی، ۲۸-۲۵ آذر ۱۳۹۱، صص: ۲۱۳-۲۱۴، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- رضالو، رضا و آیرملو، یحیی، ۱۳۹۴، «شواهد باستان‌شناختی جدید از حضور تاریخی اقوام سکایی در ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم، شماره چهارم (پیاپی ۲۸)، صص: ۱۷-۳۲.
- رضالو، رضا و آیرملو، یحیی، ۱۳۹۶، «حضور سکاها در شمال غرب ایران، مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشگین شهر، اردبیل»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۳، دوره هفتم، صص: ۶۴-۴۵.
- رضالو، رضا، آیرملو، یحیی، پاشازاده، پاشا و عزیزی، شیم، ۱۳۹۷، «حوزه نفوذ فرهنگ و تعاملات فرهنگی اقوام سکایی در اوراسیا»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۴، سال دوم: ۸۴-۶۹.
- رضوانی، حسن و مهدی عابدینی عراقی، ۱۳۸۱، «گزارش کاوش تپه قلعه کش (طالقانی) قائمشهر»، بایگانی در کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران.
- رسولی، عاطفه، میری آهودشتی، میثم، ۱۴۰۰، سنت قربانی در هزاره اول پیش از میلاد بر اساس شواهد به دست آمده از تدفین گوه‌رتپه، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۹، دوره یازدهم، صص: ۸۱-۹۶.
- سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۸۴، نخستین شهرهای فلات ایران، ج ۲، تهران: سمت.
- سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۹۷، «چکیده گزارش کاوش‌های سال ۱۳۹۶ در شهر سوخته»، در مجموعه مقالات کوتاه شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌الله شیرازی، صص: ۲۸۰-۲۸۴، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- شوالیه، ژان، گربران، آلن، ۱۳۸۲، فرهنگ نمادها: اساطیر، روایا، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها و اعداد، جلد سوم از حرف «ح» تا «س»، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
- عباسی، قربان‌علی، ۱۳۹۰، گزارش پایانی کاوش‌های باستان‌شناختی در نرگس تپه، تهران: گنجینه نقش جهان.



-ماهفروزی، علی، ۱۳۸۲، «سومین فصل کاوش باستان‌شناختی گوه‌رتپه؛ مازندران، بهشهر، رستمکلا»، بایگانی در کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران.

-ماهفروزی، علی، ۱۳۸۵، «پنجمین فصل کاوش باستان‌شناختی گوه‌رتپه؛ مازندران، بهشهر، رستمکلا»، بایگانی در کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران.

-محمدی ملاسرای، محمدعلی و سیدهاشم موسوی، ۱۳۸۲، «پژوهش مردم‌شناختی درباره نقش سگ در زندگی ایل بویراحمد»، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۱۴۲۱، پاییز، صص: ۱۷۵-۱۸۸.

-وحدتی، علی‌اکبر، بیشونه، رافائل، ۱۳۹۴، «فصل سوم کاوش در تپه چلو، دشت جاجرم، شمال شرق ایران»، گزارش‌های چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش حمیده چوبک، صص: ۵۳۴-۵۲۹. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

-هه‌ژار (شرف‌کندی)، عبدالرحمن، ۱۳۷۶، فرهنگ گردی-فارسی. تهران: نشر سروش.

-الیاده، میرچا، ۱۳۹۲، شمنیسم: فنون کهن خلسه، ترجمه محمدکاظم مهاجری، قم: نشر ادیان.

منابع لاتین

- Aaris-Sorensen, K., 2001, The Danish Fauna Throughout 20,000 Years from Mammoth Steppe to Cultural Stepped A guide to an Exhibition About the Changeability of Nature, Zoological Museum Denmark, Copenhagen, University of Copenhagen.
- Axelsson, E., , Ratnakumar, A., Arendt, M. L., Maqbool, K., Webster M. T., Perloski, M., Liberg, O., Arnemo, J. M., Hedhammar, A., Lindblad-Toh, K., 2013, The genomic signatur of dog domestication reveals adaptation to starch- rich diet, Nature 495: 360-364.
- Binford, L., 1971, Mortuary practices, their study and their potential, Memories of the Society for American Archaeology 25: 6-29.
- Bivar, A.D.H., 2005. Mithraism: A Religion for the Ancient Medes, Iranica Antiqua XL: 341-358.
- Buccellati, G. 2005. The Monumental Urban Complex at Urkesh: Report on the 16th Season of Excavations, July–September 2003. In: D.I. Owen and G. Wilhelm (eds.), General Studies and Excavations at Nuzi (Studies on the Civilization and Culture of Nuzi and the Hurrians Vol. 15), Bethesda, MD: 11/1: 3–28.
- Clark, T., 2001, The Dogs of the Ancient Near East. In: D.J. Brewer, T. Clark and A. Phillips (eds.), Dogs in Antiquity: Anubis to Cerberus, The Origins of the Domestic Dog, Warminster, Wiltshire: 49–82.





- Clutton-Brock, J., 1981, *Domesticated Animals from Early Times*, Texas: The University of Texas Press.
- Cole, B. F., Koerper, P.E., 2002, The domestication of the dog in general-and dog burial research in the South eastern United States, *Journal of the Alabama Academy of Science* 73: 174-179
- Collins, B.J., 2004, A Channel to the Underworld in Syria, *Near Eastern Archaeology* 67: 54–56.
- Correia, F., 2013, Iron Age dog burials from Quinta do Almaraz (Almada, Portugal), *IV Jornadas de Jóvenes en Investigación Arqueológica—JIA 2013*.
- Crockford, S. J., 2000, *Dogs Through Time: An Archaeological Perspective* (Ed.), England, Oxford: BAR International Series 889.
- Davis, S.J.M., Valla, F., 1978, Evidence for domestication of the dog 12,000 years ago in the Natufian of Israel, *Nature* 276: 608-610.
- Day, L. P., 1984, Dog burials of the Greek world, *American Journal of Archaeology* 88: 21-32.
- Dyson, R. H. & Muscarella, O.W., 1989, *Construction the Chronology and Historical Implication of Hasanlu IV*, Iran, Philadelphia University Museum Monograph, Vol. 27, Pp: 1- 27
- Dothan, T. 2002. Bronze and Iron Objects with Cultic Connotations from Philistine Temple Building 350 at Ekron, *IEJ* 52: 1–27.
- Douglas, K., 2000, mind of a dog, *New Scientist* March: 21-27.
- Druzhkova, A.S., Thalmann, O., Trifonov, V.A., Leonard, J.A., Vorobieva, N.V., Ovodov, N.D., Graphodatsky, A.S., Wayne, R.K., 2013, Ancient DNA analysis affirms the canid from Altai as a primitive dog, *PLoS one* 8(3): e5775.
- Edrey, M., 2008, the dog burials at Achaemenid Ashkelon revisited, *Tel Aviv* 35: 267-282.
- Germonpré, M., Sablin, M.V., Stevens, R.E., Hedges, R.E.M., Hofreiter, M., Stiller, M., Després, V.R., 2009, Fossil dogs and wolves from Paleolithic sites in Belgium, the Ukraine and Russia: osteometry, ancient DNA and stable isotopes, *Journal of Archaeological Science* 36: 473–490.
- Gillespie, S. D., 2000, Personhood, agency, and mortuary ritual: a case study from the ancient Maya, *Journal of Anthropological Archaeology* 20: 73-112.
- Grosman, L., Munro, N. D., Belfer-Cohen, A., a 12000-year-old Shaman burial from the southern Levant (Israel), 2008, *PNAS* 15/46: 17665-17669.
- Herodotus, 1861. *The Histories of Herodotus*, Translated by George Rawlinson.

New York, Book.1

- Hinnells, J., 1997, Persian Mythology, Chancelior Press.
- Ikram, S., 2013, Man's best friend for eternity: dog and human Burials in ancient Egypt, Paris: publications Scintifiques du museum national d historenatuelle.
- Jafari, J., Thomalsky, J., 2019, the Iranian-German Tappe Rivi Project (TRP), North-Khorasan: report on the 2016 and 2017 fieldworks, Amit 48: 77-121.
- Kuzmina, E., 2007, the Origin of the Indo-Iranians (Leiden Indo-European Etymological Dictionary Series), Brill
- Lamberg-Karlovsky, C., 2002, Archaeology and Language: The Indo-Iranians, Current Anthropology 43/1: 63-88.
- Lamberg-Karlovsky, C., 2003, civilization, state or tribe? Bactria and Margiana in the Bronze Age, the Review of Archaeology 24: 11-19.
- Levy, T.E., Alon, D, Rowan, Y.M. and Kersel, M., 2006, The sanctuary sequence: excavations at Gilat: 1975-77, 1989, 1990-92. In: T.E. Levy (ed.), Archaeology, Anthropology and Cult: The Sanctuary at Gilat, Israel, London: 95-214
- Lyman, 1994, "The Burial of Dogs, and what Dog Burials Mean", in, D. F. Morey, Dogs: Domestication and the development of a social bond, Cambridge University Press, pp. 150-187.
- Mahfrozzi, A., Piller, C. K., 2009, first preliminary report on the joint Iranian-German excavations at Gohar Tappe, Mazandaran, Iran, Amit 41: 177-209.
- Miklosi, A., 2014, Dog Behaviour, Evolution, and Cognition, Oxford: OUP.
- Morey, D. F., 1994, The early evolution of the domestic dog, American Scientist 82: 336-347.
- Morey, D. F., 1995, The early evolution of the domestic dog, in: M. Slatkin (Ed.), Exploring Evolutionary Biology, Sinauer Associates, pp. 140-151, Sunderland.
- Morey, D. F., 2006, burying key evidence: the social bond between dogs and people, Journal of Archaeological Science 33: 158-175.
- Morey, D. F., 2010, Dogs: Domestication and the development of a social bond, Cambridge: Cambridge University Press
- Morey, D. F., 2014, in search of Paleolithic dogs: a quest with mixed results, Journal of Archaeological Science, 52: 300-307
- Morey, D. F., Wiant, M. D., 1992, Early Holocene domestic dog burials from the North American Midwest, Current Anthropology 33: 224-229
- Mornement, K., 2018, Animals as companions, in C. G. Scanes and S. R. Toukhsati (eds.), Animal and human society, pp. 281-304, Academic Press.





- O'Shea, J., 1983, *Mortuary Variability: An Archaeological Investigation*, Orlando: Academic Press.
- OREN, E.D., 1993, Tel Haror, in E. Stern (ed.), *The New Encyclopedia of archaeological excavations in the Holy Land*, PP. 580-584.
- Pang, J., Kluetsch, C., Zou, X.-J., Zhang, A., Luo, L.-Y., Angleby, H., Ardalan, A. and et al., 2009, mtDNA data indicate a single origin for dogs south of Yangtze River, less than 16,300 years ago, from numerous wolves, *Molecule Biology Evaluation* 26: 2849–2864.
- Russell, V., During, B.S., 2006, Worthy is the lamb: a double burial at Neolithic CatalHoyuk, *Paléorient* 32/1: 73-84.
- Sajjadi, S. M. S., 2003, Excavations at Shahr-i Sokhta, First Preliminary Report on the Excavations of the Graveyard 1997-2000, *Iran XLI*: 21-99
- Sajjadi, S. M. S., Casanova, M., Constantini, L., Lorentz, K., 2008, Sistan and Baluchestan Project: a short report on the tenth campaign of excavations at Shahr-I Sokhteh, *Iran XX*: 307-334
- Sarianidi, V., 2007, *Necropolis of Gonur*, Kapon Edition, Athens.
- Savolainen, P., Zhang, Y., Luo, J., Lundeberg, J., Leitner, T., 2002, Genetic evidence for an east Asian origin of domestic dogs, *Science* 298: 1610-1613
- Saxe, A., 1970, *social dimensions of mortuary practices*, Ph.D. dissertation, University of Michigan, Ann Arbor.
- Scanes, Colin, 2018, animal attributes exploited by humans (nonfood uses of animal), in: C. G. Scanes and S. R. Toukhsati (eds.), *Animal and human society*, pp. 13-40, Academic Press.
- Serpell, J.A., 2004, Factors influencing human attitudes to animals and their welfare, *Animals Welfare* 13: 145–151.
- Shannon, L.M., Boyko, R.H., Castelhana, M., Corey, E., Hayward, J.J., McLean, C., White, M.E., Abi Said, M. and et al., 2015, Genetic structure in village dogs reveals a Central Asian domestication origin, *Proceeding of National Academic of Science* 112: 13639–13644.
- Shipman, P., 2015, *The Invaders: How Humans and Their Dogs Drove Neanderthals to Extinction*, Cambridge: Harvard University Press.
- Skoglund, P., Ersmark, E., Palkopoulou, E., Dalén, L., 2015, Ancient wolf genome reveals an early divergence of domestic dog ancestors and admixture into high-latitude breeds, *Current Biology* 25: 1515–1519.
- Smith, A. M., 2015, the Ashkelon dogs cemetery conundrum, *Journal for Semit-*

ics 24/1: 93-108.

-Smith, M., 1991, An epidemic account for the dog burials, *Biblical Archaeology Review* 17/6:12-14.

-Stager, L. E., 1991, Why were hundreds of dogs buried at Ashkelon?, *Biblical Archaeology Review* 17/3:26-42.

-Taçon, P.S., Pardoe, C., 2002, Dogs Make Us Human, *Nature Australia*.

-Tainter, J., 1978, mortuary practices and the study of prehistoric social systems, *Advances in Archaeological Method and Theory* 1: 105-141.

-Tchernov, E. Valla, F., 1997, Two New Dogs, and other Natufian Dogs, from Southern Levant, *Journal of Archaeology Science* 24: 65-95.

-Tosi, M., 1983, *Prehistory of Sistan*, Ismeo, Rome.

-Ussishkin, D. 1996. Excavations and Restoration Work at Tel Lachish 1985-1994: Third Preliminary Report, *Tel Aviv* 23: 3-60

-Vahdati, A. A., 2014, a BMAC Grave from Bojnord, Northeastern Iran, *Iran* 52: 19-27.

-Von Holdt, B.M., Pollinger, J.P., Lohmueller, K.E., Han, E., Parker, H.G., Quignon, P., Degenhardt, J.D., Boyko, A.R., et al., 2010, Genome-wide SNP and haplotype analyses reveal a rich history underlying dog domestication, *Nature* 464: 898-902.

-Wapnish, P & Hesse, B 1993. Pampered pooches or plain pariahs? The Ashkelon burials, *Biblical Archaeologist* 56/2:55-80.

-Wilson, E.O., 1984, *Biophilia*, Chicago: Harvard University Press.



پژوهشی بر چگونگی
تدفین سگ در ایران
باستان